

رضا مهیمن

رویش زیبایی بر بستر همیشه رنج

یادداشتی بر «زعفران»

سینمایی و حرفه‌ای «زینت» ساخته ابراهیم مختاری است که می‌بینیم فیلمهای کوتاه وی مورد توجه بیشتر و بازبینی دقیقتر قرار می‌گیرد. و بسیار شبیه مواقعی است که فیلمی، خارج از کشور موفقیتی کسب می‌کند و پس از آن، اینجا، دقیقتر دیده می‌شود و احیاناً به به و چه چه.

و اما ماجرا، آنچه مرا پس از دیدن فیلم «زعفران» سر شوق آورد، انتقال یک وضعیت خاص، به بیننده بود. بیننده می‌تواند در این وضعیت انتقال یافته، گشت‌وگذاری داشته باشد و آنچه را که شاید منظور قطعی سازنده فیلم نبوده است ببیند. و این مرحله یعنی موفقیت در کار، برای خالق اثر.

فیلم، روش کاشت و برداشت زعفران را به نمایش می‌گذارد. (جنبه اطلاعاتی قضیه)، اما فیلمساز با میزانشن‌ها،

نوشته‌ام یادداشتی بر فیلم «زعفران»، زیرا برخورد شخصی خود را با فیلم بیان کرده‌ام، نه نقد تحلیلی همه‌جانبه. در نقدها، ساختار فیلم است که محور قرار می‌گیرد، و سهم تماشاگر، اگر نگوییم جایی ندارد، در لایه‌های آخر جای می‌گیرد. اما این یادداشتها، بیشتر برخورد شخصی و حسی بیننده با فیلم است.

قبل از شروع، نیم‌نگاهی داریم به وقایع اتفاقیه، و بعد آغاز ماجرا. فیلم کوتاه در این مرز و بوم هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است و بیشتر در این سالها به‌عنوان کارهای تجربی و نه‌چندان جدی مطرح بوده است، به‌خصوص که اثر، داستانی هم نباشد. شاید وقت آن رسیده باشد که دست‌اندرکاران، به این قد و قواره، از روبه‌رو نگاه کنند و لباسی در خور قامت آن، آراسته سازند. پس از موفقیت فیلم

حرکتهای دوربین، انتخاب زاویه و ...
بیش از اینها به تماشاگر ارائه می دهد.

اکثر نماهای فیلم به صورت نمای عمومی (لانگشات) است. که آدمها (زن، مرد، کودک) با پس زمینه ای از طبیعت، در تلاش دائمی، دیده می شوند. پیوند زیبا و یگانه آدمها و طبیعت، در سکوتی سرشار از گفته ها و تنها صداهای واقعی (صدای پرندگان، آب، دستها و پاها و ...) این حس یکی شدن را تقویت کرده است. می گویم سکوتی سرشار از گفته ها، زیرا بیننده از آغاز تا انجام، مشقت کار و رنج ناشی از آن را در چهره ها و تلاش آنها را برای به ثمر رساندن محصول، حس می کند. و اینهمه، بر بستری از سکوت، که قطعاً سکون نیست و بر تمامی مراحل زندگی این گونه آدمها حاکم است، شکل می گیرد. آدمهایی از این جنس، تنها با نگاهی یا حرکتی حرف خود را به دیگری می زنند و تمام. و فیلمساز به نحو شایسته ای آن را درک و انتقال داده است. زیبایی گلهای به ثمر رسیده در زمین تشنه و رام نشدنی کویر بجستان، تنها و تنها از دریچه رنج به بار نشسته است. پذیرش رنج به عنوان اولین پله برای رسیدن به زیبایی و عشق به زندگی. تنها

از دریچه رنج است که آدمی به شناخت و معرفت می رسد.^۱ تلاش و مشقت کار و رنج ناشی از آن، برای آدمهای فیلم، مسأله غیر عادی نیست، برعکس، جزو اصول اولیه زندگی آنان به حساب می آید. بدون رنج، زندگی آنان تهی است.

و بر بستر رنج و مشقت کار، گلی به بار می نشیند که رنگش، رنگ عشق است و بویش، نوازنده مشام جان. خنده را به چهره درد کشیده آدمی می نشاند. سفره را و تمامی زندگی را رنگ آمیزی می کند. داشت و برداشت زعفران، قصه خود آدمها است. رویش آنان است بر پهنه زمین، تلاش و تجربه و شکست و رنج، آنان را آماده شکفتن می کند. و در لحظه ای گل وجودشان (چون زعفران) می شکند و زندگی شان در آن لحظه معنا پیدا می کند. و چه رنگ و بویی دارد این لحظه.

مواقعی که دوربین مختاری به آدمهای فیلمش نزدیک شده، بیننده را در دو قدمی آنان قرار داده است. تا با نگاهی یا حرکتی که در سکوت همیشگی انجام می دهند، سکوت بیننده را به شناخت و شعور و داوری تبدیل کند: مرد برای فروش زعفرانها به شرکت تعاونی مراجعه می کند. مسئول شرکت سرگرم توزین زعفرانهاست.



جدا کردن پرچمها از گل زعفران

زعفران. رشته‌های زعفران و نوای سه‌تار. نوای سه‌تار و بیدار شدن اهل خانه و گرما و قرمزی چوبهای در حال سوختن در بخاری، با قرمزی زعفران و ... پس از ایجاد این پیوندها، تماشاگر، حالا با عنصری بی‌جان به نام زعفران که تنها کاربرد خوراکی دارد، روبرو نیست.

در نمای آخر، چون ابتدای فیلم، آدمها در یک لانگ‌شات، بر پهنه طبیعت دیده می‌شوند. سرگرم کار. گردش دیگری بر مدار زمین. به‌بار نشستن زیبایی دیگری. از دریچه رنجی دیگر.

۱- انسان در جستجوی معنا، ویکتور فرانکل، انتشارات دانشگاه تهران.

اینجا، نمای درشت مرد را داریم. نگاه وی به زعفرانهاست. در این نگاه مهربان و معصوم، بیننده، گویی تمامی مشقت کار و رنج مرد را مرور می‌کند. همین‌طور لحظه‌ای که پرچمهای گل زعفران را دختران جوان از هم جدا می‌کنند، نمای درشت زعفرانها به نمای درشت چهره دختران جوان قطع شده است.

همسانی بسیاری از نماها در فیلم «زعفران» بیننده را به حس زیبای پایداری و شور زندگی، از پس تلاش و رنج کار، می‌رساند. مثل: قرمزی پرچمهای گل زعفران و قرمزی گونه‌های دختران جوان، در هنگام کار. قرمزی خونِ گوسفند قربانی شده با قرمزی